



۱. خانه ی خرگوش کنار رودخانه است.
- شاخه ای از درخت، کنار خانه ی خرگوش افتاده است.
۲. کودک آرام زیر درخت نشسته بود.
- درخت شاخه اش را خم کرد و شانه ی کودک را تکان داد.
- کودک ترسید، بدنش مانند یخ سرد شد، پایش خشک شد.
- درخت این را که دید با خنده گفت: نترس پسر، از من آسیبی نمی بینی. کودک کم ترسش ریخت.
۳. من امروز خبر خوبی شنیدم. برادرم برای من خمیر بازی خرید. من با آن خروس درست کردم.
۴. خداوند بخشنده و دانا است. ما خدا را خوب می شناسیم.
۵. درخت برای رشد به خاک نیاز دارد. باد خنکی شاخه ی درخت را تکان داد.
۶. خروس از زمین دانه برداشت.
۷. مادر دامن دخترش را می پوشاند.

